

ایران و چین: به سوی مشارکت راهبردی در آینده با تأکید بر فرصت‌ها و پیچیدگی‌های توافقنامه ۲۵ ساله

علی اکبر جعفری^{۱*}، مهرداد فلاح^۲

^۱ دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

روابط با چین از مهم‌ترین تحولات در سیاست خارجی ایران بوده است. این کشور در زمان کوتاهی به شریک نخست اقتصادی و شریک کلیدی سیاسی ایران بدل شده است. سند راهبردی همکاری ۲۵ ساله ایران و چین را می‌توان تحولی مهم در سیاست راهبردی ایران و روابط آن با قدرت‌های بزرگ به‌شمار آورد. این سند همکاری ایران می‌تواند ساختار نظم منطقه‌ای خاورمیانه را تغییر دهد؛ و توافق‌های بین دو کشور که در ابتکار یک کمربند-یک راه و همچنین پیش‌نویس سند ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین منعکس شده است، راه را برای همکاری راهبردی بلندمدت در حوزه‌های ژئوپلیتیک، اقتصاد و دیپلماسی دو کشور هموار خواهد کرد. این نوشتار برای پاسخگویی به این پرسش اصلی سازماندهی شده است که چگونه مشارکت راهبردی ایران و چین در آینده با توجه به ساختار نظم بین‌المللی موجود شکل می‌گیرد؟ با هدف تبیین روند تاریخی و فرایندهای تحول در تقابل با امریکا و واکاوی الگوی تأثیرگذاری متغیرهای دخیل با بهره‌گیری از رویکردی تبیینی-تحلیلی و با کاربست رهیافت دولت‌های تجدیدنظرطلب برای سنجش روابط راهبردی ایران-چین در فضای پس‌اسپتامبر، فرضیه زیر آزمون می‌شود که بیان می‌کند عوامل اقتصادی-سیاسی به همان اندازه که زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی مشارکت راهبردی در روابط ایران و چین هستند، به همان اندازه نقشی تعیین‌کننده در تحدید و پیچیدگی همکاری‌های راهبردی دو طرف در آینده دارند. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش مشخص می‌کند که همگرایی فزاینده بین ایران و چین در پاسخ به فشار فزاینده ایالات متحده در سطح بین‌المللی است. این توافقنامه، بیانگر تمایل دو طرف برای هماهنگی بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: ابتکار یک کمربند و یک راه، امنیت خاورمیانه، ایران، توافق جامع ۲۵ ساله، چین

* نویسنده مسئول، رایانامه: a.jafari@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۲ بهمن ۱۴۰۰، تاریخ تصویب: ۱۰ بهمن ۱۴۰۱

۱. مقدمه

در ۲۷ مارس ۲۰۲۱، ایران و چین برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین را امضا کردند که جنجال‌های چشمگیری را برانگیخت. پیش‌نویس هجده‌صفحه‌ای منتشر شده، همکاری گسترده بین دو کشور در انرژی، فعالیت‌های اقتصادی و امنیت را پیش‌بینی می‌کند. در واقع فعالیت‌های توسعه زیرساخت‌های راه‌آهن، جاده‌ای و بندری در ایران، استفاده از ارزهای ملی در فعالیت‌های بانکی بین‌المللی و همچنین در سایر بخش‌های راهبردی مانند دفاع، نظامی و فناوری اطلاعات را که برای طرح یک کمربند-یک راه چین مهم است، در نظر دارد. جمهوری اسلامی ایران برای تعامل سازنده دوباره با جهان، مسیر جدیدی را برای روابط و همکاری‌ها ایجاد کرده است. در همان زمان، شی‌جین‌پینگ رؤیای خود را برای بازپس‌گیری جایگاه چین در جهان از راه قدرت اقتصادی داخلی اعلام کرد. این همزمانی به تعمیق روابط بین پکن و تهران در قالب سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها، حمایت سیاسی و دیپلماتیک جهت خروج از انزوای بین‌المللی، همکاری متقابل روابط اقتصادی و تجاری در راستای دور زدن تحریم‌ها در توافق راهبردی جامع منجر شد.

فراتر از ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی این توافق، جنبه‌های امنیتی مهمی در این زمینه وجود دارد. در حالی که چشم‌اندازهای اقتصادی توافق به هیچ‌وجه نباید نادیده گرفته شود (از آنجا که قدرت اقتصادی برای قدرت سیاسی و نظامی حیاتی است)، همکاری امنیتی مندرج در توافق شایان توجه برابر است. این همکاری می‌تواند موقعیت ایران را در خاورمیانه تقویت کند و در عین حال موقعیت جهانی چین را با ایجاد نفوذ گسترده در منطقه خاورمیانه تقویت خواهد شد (Khoshnood & Khoshnood, 2021: 3). در واقع با امضای این توافق چینی‌ها پیام روشنی به عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق، مصر و اسرائیل می‌دهند که بازیگر اصلی جدیدی با تمام قدرت در راه است (Yellinek, 2020). از این رو، پژوهش حاضر ضمن بررسی نقاط قوت و چالش‌های روابط چین و ایران، به دنبال درک آینده روابط است، و به بررسی عوامل ژئوپلیتیک، سیاسی و اقتصادی می‌پردازد که در طول سال‌ها سبب تقویت روابط شده‌اند. همچنین به موضوع‌هایی می‌پردازد که به‌طور برجسته‌ای می‌توانند روابط را تضعیف کنند؛ به‌ویژه رویکرد صلح‌آمیز چین که این کشور را در تعامل عمیق با ایران برحذر می‌کند تا با امریکا، اسرائیل و کشورهای عربی روبرو نشود. در واقع نبود تقارن قدرت‌های متوسط با قدرت‌های بزرگ نیز وارد عمل می‌شود که می‌تواند شکاف بین دو کشور را افزایش دهد، زیرا قدرت بزرگ با اهداف بزرگ‌تر و روابط متنوع آنان نمی‌خواهد منافعش برای یک قدرت متوسط به خطر بیفتد. افزون‌بر این، افکار عمومی ایران مبنی بر همکاری چندبعدی با چین و حساسیت‌های بازیگران منطقه‌ای بر آینده روابط تأثیرگذار خواهد بود. در نهایت در بخش

نتیجه‌گیری، یافته‌های اصلی این نوشتار به‌طور خلاصه بیان می‌شود و ارتباط آنها به‌تفصیل شرح داده خواهد شد. همچنین با توجه به رویکرد کیفی از منابع چندگانه دربرگیرنده ادبیات مربوطه ثانویه، بیانیه‌های رسمی دولت چین و ایران استفاده شده است. برای درک عمیق‌تر روابط چین و ایران، به منابع موجود دیگری از جمله مقاله‌ها، گزارش‌ها و مصاحبه با کارشناسان استناد شده است تا موضوع از زوایای مختلفی بررسی شود.

۲. مبانی نظری؛ دولت‌های تجدیدنظرطلب

رویکرد نظری واقع‌گرایی برای چندین دهه پارادایم غالب در روابط بین‌الملل بوده و از جایگاه مهمی در این حوزه مطالعاتی برخوردار است. به باور واقع‌گرایان دولت‌ها بازیگران خردمندند. به عبارت دیگر، دولت‌ها بازیگرانی عقلانی تلقی می‌شوند که رفتار آنها بر مبنای هزینه-فایده صورت می‌گیرد که منظور آن مادی است. در نتیجه «منطق اقدام» نیز منطق نتیجه بر مبنای حداکثرسازی منافع و به حداقل رساندن هزینه‌هاست. بر اساس دیدگاه واقع‌گرایانه کشورها در چرخه‌ای به نام «چرخه سیستمی قدرت» در نظام بین‌الملل به دو دسته کلی حافظ وضع موجود و تجدیدنظرطلب تقسیم می‌شوند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۱۴۱). طبیعی است دولت‌های حافظ وضع موجود از وضعیت موجود راضی‌اند و سیاست آنها تقویت جایگاه خود در آن است. این دسته برای حفظ ثبات اولویت بالایی قائل‌اند و امنیت برای آنها اهمیت دارد. ساختار فعلی نظام بین‌الملل و آرایش قدرت در عرصه جهانی در راستای منافع این کشورهاست و تغییرات در نظام بین‌الملل منافع آنها را با تهدید روبرو می‌سازد. شعار اصلی دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود امنیت است که این کار را با حفظ موقعیت خود در درون نظام انجام می‌دهند. به عبارت دیگر آن چیزی که این دولت‌ها در برابرش مقاومت نشان می‌دهند، مواردی چون تغییر الگوی توزیع قدرت و ثروت است (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

از سوی دیگر، برخی موجودیت‌های سیاسی از جایگاه خود در چرخه راضی نیستند و سیاست تغییر وضع موجود را پیگیری می‌کنند و تمام تلاش آنها معطوف به تغییر الگوهای نظم در چرخه قدرت خواهد بود. کشورهایی که سیاست تجدیدنظرطلبانه را در چرخه قدرت دنبال می‌کنند، با کنش‌های راهبردی مقابله‌کننده سایر قدرت‌های راضی از چرخه قدرت روبرو می‌شوند. از این رو، برای گذار از این مرحله و رفتن به سطوح بالاتر چرخه ملزم به طراحی راهبرد منطقی‌ای و جهانی خاصی‌اند که این گذار را امکان‌پذیر سازد. در واقع رابطه دولت‌های تجدیدنظرطلب و نظام بین‌الملل به‌طور کلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۴۷). از این رو، اثر دیوید ارمسترانگ (۱۹۹۳) تحلیل تاریخی از روابط دولت‌های تجدیدنظرطلب با نظام بین‌الملل دارد و نشان می‌دهد که دولت‌های تجدیدنظرطلب دولتی

خواهان تغییر بنیادین در اصولی‌اند که دولت‌ها بر مبنای آنها روابط خود را با یکدیگر هدایت کنند. گاهی تصور دولت‌های دیگر این است که این دولت به‌عنوان یک دولت تجدیدنظرطلب درصدد برهم زدن نظم موجود است (Armstrong, 1993).

شویبیلر در این مورد تلاش کرده است که مفهوم «کشورهای تجدیدنظرطلب» را وارد ادبیات واقع‌گرایی کند. وی اعتقاد داشت که دولت‌های تجدیدنظرطلب را می‌توان به دو دسته تجدیدنظرطلب با اهداف محدود و تجدیدنظر با اهداف نامحدود تقسیم کرد. به بیان وی، دولت‌های تجدیدنظرطلب با اهداف نامحدود، درصدد برهم زدن نظم موجود و تغییرات اساسی در قواعد و هنجار و اصول نظام بین‌الملل هستند؛ گرچه دسته دوم، دولت‌های درون نظم موجود تنها در پی ارتقای موقعیت خود هستند (Schweller, 2014: 8). در همین زمینه باری بوزان شاخصه‌های دولت‌های تجدیدنظرطلب را با دولت‌های حافظ وضع موجود تبیین کرد:

۱. دولت‌های تجدیدنظرطلب انقلابی: این گروه درصدد استفاده از فرصت‌ها برای پیشینه‌سازی قدرت هستند تا قدرت، موقعیت، نفوذ و منافع را تحت کنترل درآورند و به نفع خود سامان دهند. این دولت‌ها قواعد و ساختار نهادهای نظام بین‌الملل را نفی می‌کنند و به دنبال به چالش کشاندن نظم موجودند؛

۲. دولت‌های تجدیدنظرطلب ارتدکس: این‌گونه دولت‌ها از ساختار نهادی و بنیان نظام بین‌الملل رضایت دارند، ولی وضعیت قدرت موجود را نمی‌پذیرند و از آن ناراضی‌اند؛

۳. دولت‌های تجدیدنظرطلب اصلاح‌گرا: این گروه از دولت‌ها برخی نهادهای بین‌المللی را می‌پذیرند، ولی در مقابل سایر نهادها مقاومت می‌کنند و در راستای اصلاح آن و در پی ارتقای جایگاه خود در این نظام نیز هستند (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

در این زمینه ایران و چین از برخی قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل ناراضی‌اند، سیاست این دو دولت را تا حدی با توجه به رویکردهای دولت تجدیدنظرطلب می‌توان بررسی کرد. هر دو کشور توزیع قدرت بین‌المللی موجود را نمی‌پذیرند، ولی نگرش متفاوت دارند. چین دولتی تجدیدنظرطلب اصلاح‌طلب و در پی نظمی جدید در کل دنیا، ساختار سیاسی و مالی جدید، شیوه‌ای جدید برای مدیریت و کنترل تمامی امور در مقیاس جهانی است. به‌عبارتی، چین آموخته است که بهره‌مندی از نهادهای بین‌المللی — گرچه این نهادها کاستی‌هایی دارند — جهت پیشبرد سیاست مؤثرتر باشد. در حقیقت نقش رو به رشد چین در همه نهادهای بین‌المللی، نشان‌دهنده افزایش قدرت چین است. از این‌رو، این کشور سیاست خارجی خود را نیز بر پایه ظهور مسالمت‌آمیز بنیان نهاده است تا ظهورش به فروپاشی نظام بین‌الملل و شکل‌گیری نظام به‌طور کامل متفاوت منجر نشود.

جمهوری اسلامی ایران یک دولت تجدیدنظرطلب انقلابی است که بخشی از نظام بین‌الملل را در گفتار قبول ندارد و تا جایی که قدرت این کشور اجازه دهد، تلاش می‌کند این نظام را به چالش بکشاند و بنیادهای جدیدی را ایجاد کند، به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد که این کشور بین دو گونه تجدیدنظرطلبی یعنی تجدیدنظرطلب انقلابی و تجدیدنظرطلب اصلاح‌گرا در نوسان بوده است. به عبارت دیگر، معتقد است این نظام برای تأمین منافع دولت‌های بزرگ بیشتر غربی است که نمی‌خواهند دیگران در این نظام اشتراک داشته باشند. در نهایت می‌توان گفت که ایران نظم بین‌المللی را تهدیدی راهبردی می‌داند، در حالی که چین آن را یک فرصت-تهدید با اولویت فرصت تلقی می‌کند (اختیاری امیری و صالحی، ۱۳۹۷: ۶۸). از این رو، از نظر نگرانی‌های راهبردی دو کشور تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارند. به طور کلی، دو کشور ایران و چین کشورهای تجدیدنظرطلبی هستند که این موضوع فصل‌های مشترکی را در سیاست خارجی دو کشور پدید آورده و بر همین اساس نیز نزدیکی و در نهایت، مشارکت راهبردی آنان شکل گرفته است.

۳. نگاهی به پیمان راهبردی ایران - چین

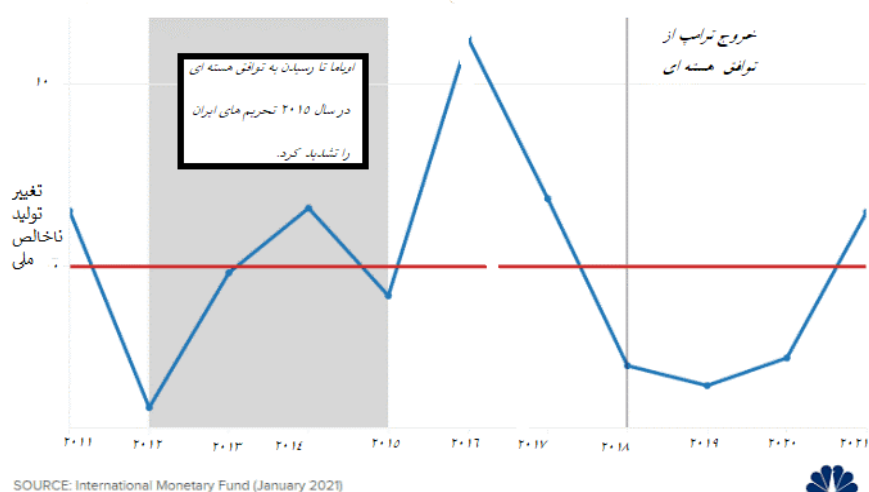
چین و ایران یک سند همکاری‌های مشترک را امضا کردند که به عنوان یک «مشارکت راهبردی جامع» گزارش شده است. به عنوان بخشی از این قرارداد، پکن با سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در زمینه‌هایی مانند بانکداری، مخابرات، بنادر، راه‌آهن و فناوری اطلاعات موافقت کرده است. تهران به طور متقابل با تضمین عرضه ثابت نفت با قیمتی کاهش یافته به ازدهای تشنه قدرت پاسخ خواهد داد. این سند همکاری راهبردی برنامه بازی بزرگ شی‌جین‌پینگ برای گسترش نفوذ چین در منطقه خاورمیانه که مدت‌ها در حوزه آمریکا بوده است، تلقی می‌شود. در مقابل، پکن از پیشنهاد ایران برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای مرکزی چین به عنوان یک عضو کامل و متعهد به تعمیق همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف از جمله علم و فناوری، رسانه و سرمایه‌گذاری حمایت کند (قربانی، ۱۴۰۰: ۹).

سیاست خارجی چین در اینجا به آمریکا نشان می‌دهد روزهایی که در رابطه با ایران محتاط بود، به پایان رسیده است و این پیمان پله‌ای برای چین برای به چالش کشیدن آمریکا در حوزه نفوذ خود است. در واقع، این برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک با ایران یک پیروزی برای پکن است، زیرا نه تنها به این کشور اجازه می‌دهد تا نیازهای انرژی خود را از راه واردات نفت برآورده کند، بلکه همکاری‌ها را در حوزه سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترش می‌دهد. تحولات اخیر همچنین به چین نشان می‌دهد بدون آن، ایالات متحده نمی‌تواند ایران

را وادار به پایبندی به شرایط برجام کند (Nehra, 2021: 3). از این رو، مخالفت متقابل با واشنگتن در اوج همه‌گیری کووید-۱۹ هماهنگی راهبردی مهم دو کشور را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد آنچه بر آمادگی ایران برای همدستی با چین تأثیر گذاشته است، خروج یکجانبه آمریکا از برجام است که به تحریم منجر شد. حتی بدون ضربه کرونا به اقتصاد جهانی، ایران در تنگناهای سختی قرار داشت. تحریم‌های آمریکا نه تنها به تولید نفت ایران، بلکه به اقتصاد آن نیز آسیب زده است. برای نمونه، تولید نفت ایران در ۲۰۱۸ حدود ۳/۸ میلیون بشکه در روز بوده که از این میزان ۲/۳ میلیون بشکه صادر شده است. اگرچه برای شش ماه اول معافیت‌هایی از سوی دولت ترامپ داده شد، به شرط کاهش وابستگی کشورهای مذکور به نفت ایران تا اکتبر ۲۰۱۹، تولید نفت به ۲/۱ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و حدود ۲۶۰ هزار بشکه در حال صادرات بود (Nehra, 2021: 4). در نمودار ۱ به روشنی مشاهده می‌شود که اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌ها وارد رکود شده و نرخ بیکاری ۱۲/۵ درصد رسیده است.

نمودار ۱. وضعیت اقتصاد ایران پس از خروج ترامپ از برجام

اقتصاد ایران آخرین بار در سال ۲۰۱۷ رشد داشته است. ارقام استفاده شده برای سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ تخمین‌های صندوق بین‌المللی پول هستند.



SOURCE: International Monetary Fund (January 2021)



منبع: Ng, 2021

سه دلیل اصلی تصمیم چین به ایجاد برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک با ایران عبارت‌اند از: ۱. بخشی از نیازهای چین به منابع انرژی نفت و گاز طبیعی برآورده شود؛ ۲. تهران به یک شریک مهم در ابتکار یک کمربند-یک راه تبدیل شود؛ و ۳. به افزایش نفوذ چین در خاورمیانه کمک شود. این سند همکاری را می‌توان یک پیروزی برای پکن در نظر گرفت،

زیرا نه تنها به این کشور اجازه می‌دهد تا نیازهای انرژی خود را تأمین کند، بلکه به منطقه‌ای که زیر سلطه ایالات متحده بوده است نیز نفوذ کند (Greer & Batmanghelidj, 2020: 3-4). در واقع راهبرد چین از روابط با ایران این است که تهران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، ایالات متحده را در خاورمیانه مشغول نگه‌دارد و مانع از تمرکز کامل واشنگتن در ابعاد نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی به منطقه هند و اقیانوس آرام شود که برای منافع ملی حیاتی چین بسیار مهم‌تر است. از این رو، قدرت منطقه‌ای ایران نیز از تمرکز بیشتر ارتش ایالات متحده بر اقیانوس هند و اقیانوس آرام جلوگیری می‌کند. همچنین در حوزه تجارت روابط تجاری دو کشور از دهه ۱۹۹۰ در حال افزایش بوده است. برای نمونه، کل تجارت دوطرفه کمتر از یک میلیارد دلار در ۱۹۹۲ بود و به بالاترین حد خود در حدود ۵۰ میلیارد دلار در ۲۰۱۵ رسید که نمودار ۲ به‌روشنی بیانگر این واقعیت است (Yacoubian, 2021).

نمودار ۲. روابط تجاری ایران-چین، ۲۰۰۱-۲۰۱۸



منبع: Yacoubian, 2021

اگرچه شرکت انرژی دولتی چینی^۱ پس از خرید نفت ایران در زمان ترامپ با تحریم روبرو شد. دولت ترامپ پس از خروج از برجام تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرد و ناخواسته نزدیکی ایران و چین را افزایش داد. با این حال، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه پیشین امریکا، در این باره هشدار داد که این روابط به «بی‌ثباتی خاورمیانه» منجر می‌شود؛ مانند بسیاری از سیاست‌های چین در خاورمیانه، مشارکت پیشنهادی پکن با تهران دارای اهداف بلندمدت، ولی جزئیات کوتاه است (Iran Wants a Strategic Partnership, 2020).

1. Zhuhai Zhenrong

۴. آینده روابط: چشم‌اندازها و فرصت‌ها

روابط چین و ایران در همکاری واقع‌گرایانه در زمینه‌های مشترک با هم همپوشانی دارد که مشارکت فزاینده آنان در مخالفت با نظم بین‌المللی و دشمنی با ارزش‌های جهانی غربی، تکامل یافته است، زیرا چین با قاطعیت خود را به‌عنوان جایگزینی برای رهبری جهانی ایالات متحده معرفی کرده است. در این زمینه نخبگان چینی و ایرانی بارها از نظم بین‌المللی به رهبری ایالات متحده انتقاد کرده‌اند، و هر دو کشور آن را ناعادلانه «تک‌قطبی» می‌دانند که منافع آنها را تهدید می‌کند (Holmquist & Englund, 2020: 9). در ادامه، روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف بررسی می‌شود.

۴.۱. مشارکت راهبردی چین-ایران و تحولات راهبردی در جریان

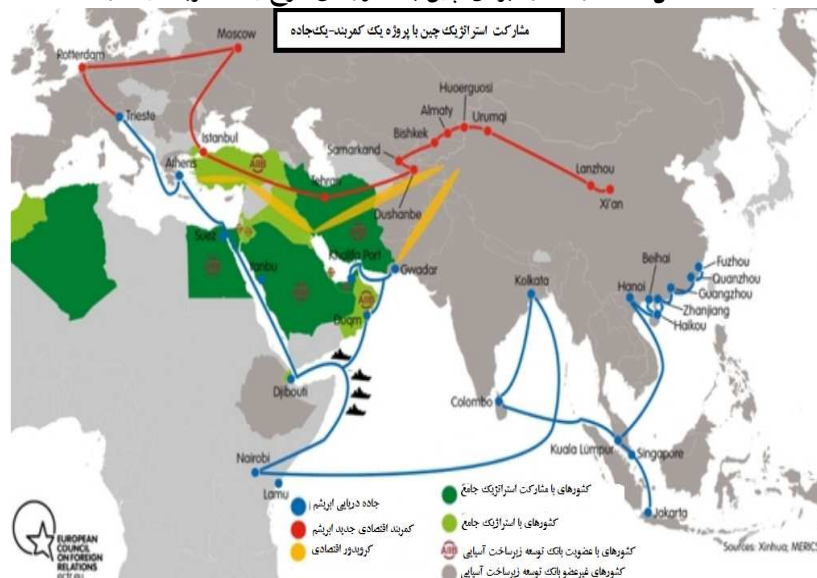
سند همکاری ۲۵ ساله چین و ایران با اتصال یک کریدور چین-پاکستان-ایران-چین به کریدور افغانستان-ایران-آسیای مرکزی یک معماری اقتصادی ژئواستراتژیک را شکل می‌دهد. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران با خط ساحلی ۲۲۵۰ کیلومتری در خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و دریای خزر، افزون‌بر مرز زمینی وسیع با عراق، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان و پاکستان، ایران به یک کشور حیاتی در استراتژی یک کمربند-یک‌راه چین تبدیل می‌شود که اتصالات بندری و کشتیرانی به ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان را تسهیل می‌کند. همراه با نوسازی بندر و توسعه پایانه، توسعه‌دهندگان زیرساخت‌های چینی راه‌آهن ایران را با زیرساخت‌های راه‌آهن پرسرعت نیز مدرن می‌کنند. برای نمونه، سرمایه‌گذاری چین در توسعه راه‌آهن ایران با طرح راه‌آهن سریع‌السیر تهران قم-اصفهان و برقی‌سازی راه‌آهن تهران-مشهد با برآورد هزینه‌ای حدود ۴/۲ میلیارد دلار به نمایش گذاشته می‌شود. از این‌رو، در ۲۰۱۷، شرکت سرمایه‌گذاری سیتیک^۱ چین یک خط اعتباری ۱۰ میلیارد دلاری به ایران ارائه کرد که به کاهش تحریم‌های ایالات متحده کمک کرده است (Fulton, 2021). به زبان ساده، ایران با اقتصاد محدود در روابط دوجانبه به‌روشنی به چین نیاز دارد.

در واقع چین و ایران به‌دنبال اتصال ۳۲۰۰ کیلومتر کریدور اقتصادی چین - پاکستان^۲ هستند که از کاشغر در استان سین‌جانگ در غرب چین تا گوادر در جنوب پاکستان در امتداد اقیانوس هند به زیرساخت‌های شبکه‌های داخلی و ساختار بندر دریایی ایران کشیده شده است. از این‌رو، عمران‌خان نخست‌وزیر وقت پاکستان در ۲۰۱۹ دو بار به تهران سفر کرد و

1. CITIC
2. CPEC

روابط با ایران را بهبود بخشید که نویدبخش عصر اقتصادی جدیدی برای دو کشور است. در درازمدت، یک طرح زیرساختی چینی افغانستانی- ایرانی در انتظار مذاکرات با طالبان برای ایجاد یک کریدور زیرساختی شامل راه آهن، بزرگراه و یک ساختار خط لوله از غرب چین از راه کریدور واخان در شرق افغانستان از راه هندوکش است. افزون بر این توافق جامع شبکه‌های حمل و نقل ایران را به معماری زیرساخت‌های آسیای مرکزی متصل می‌کند. این امکان ارتباط با قسمت لجستیکی مهم منطقه ویژه اقتصادی خرگوس شرقی واقع در ۳۳۰ کیلومتری آلمانی در مرز قزاقستان و چین در حدود چهار ساعت از ارومچی پایتخت در استان سین‌جانگ در غرب چین را فراهم می‌آورد. اتصال چین و ایران از راه قزاقستان و ترکمنستان، افزون بر افغانستان و پاکستان، کریدورهای اقتصادی را در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی تقویت می‌کند (Corneliusson, 2021: 5). در نهایت، آنچه که ممکن است در دهه‌های آینده به یک صحنه اقتصادی راهبردی جدید از شرق تا غرب آسیا تبدیل شود، توافق مشارکت جامع ایران-چین است، زیرا بخش‌های بزرگی از تحریم‌های ایالات متحده را نفی می‌کند و اینکه توسعه اقتصادی ایران را به سمت شرق سوق می‌دهد و چشم‌انداز اقتصادی را از چین تا ایران رشد می‌دهد. این سند همکاری تعادل ژئوپلیتیکی را در روابط ایران و عربستان سعودی تغییر می‌دهد، زیرا وضعیت موجود را که ریاض به دنبال حفظ آن است، برهم می‌زند.

شکل ۱. مشارکت راهبردی چین با کشورهای طرح یک کمربند-یک راه



منبع: Lons, 2019

۲.۴. توازن سیاسی در مشارکت راهبردی

تا زمانی که منافع ایدئولوژیک و راهبردی ایران با سایر کشورهای منطقه سازگاری داشته باشد، می‌توان الگوهای هماهنگی حداکثری را در روابط ایران مشاهده کرد، روابط ایران با قدرت‌های جهانی را می‌توان غیرقطعی‌تر و دوسوگراتر تعریف کرد. در این زمینه می‌توان دید که ایران به‌جای اینکه قاطعانه در کنار یک ابرقدرت قرار بگیرد، از راهبردی پیروی می‌کند که با حفظ روابط متعادل، در پی حداکثر کردن سود خود است. در واقع در زمانی که ایران در ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای با کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا را امضا می‌کرد، مذاکرات فشرده‌ای با چین نیز داشت (Uzun, 2021: 7). غرب در اصل بسته‌ای را با پیش‌شرط‌های سیاسی ضمنی و غیرمستقیم برای لغو تحریم‌ها و امضای توافق هسته‌ای به ایران پیشنهاد کرد. به همین ترتیب، امید می‌رفت که ایران در نتیجه ادغام با نظام اقتصادی بین‌المللی و وضعیت موجود انرژی هسته‌ای، دچار تحول تدریجی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی شود. گرچه از منظر ایران لغو تحریم‌ها بیش از آنکه روابطش با غرب را تقویت کند، سرمایه‌گذاری و همکاری تجاری ایران با چین را تقویت کرد.

با کاهش تحریم‌ها در ۲۰۱۵، چین نیروی کار چشمگیری را به ایران اعزام کرد؛ راه را برای بسیاری از شرکت‌های چینی برای بازدید از ایران در جست‌وجوی فرصت‌های همکاری هموار کرد. اگرچه شکست توافق هسته‌ای در دوران ریاست جمهوری ترامپ، روابط اقتصادی چین با ایران را مختل کرد، ولی می‌توان دید که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱، چین بزرگ‌ترین شریک تجاری مستقیم یا غیرمستقیم و واردکننده نفت ایران بود. با وجود تحریم‌ها، خرید نفت چین از ایران در مارس ۲۰۲۱ به بالاترین حد خود رسید (Uzun, 2021: 8). بنابراین، سند همکاری چین و ایران از نظر قدرت جهانی چین و آمریکا به‌منزله یک تهدید از سوی آمریکا تلقی می‌شود، زیرا امضای سند همکاری چین با ایران در برهه‌ای حیاتی در روابط ایران و آمریکا به‌عنوان چالشی مستقیم با برخی اصول، قواعد و نهادهای اساسی نظام بین‌الملل تلقی می‌شود. بر اساس شاخص‌های فعلی و بن‌بست فعلی با ایالات متحده، این سند همکاری راهبردی ممکن است پیامدهای گسترده‌ای در درازمدت برای ایران داشته باشد:

نخست، ایران تضمین فروش نفت و توسعه زیرساخت‌های انرژی را از چین گرفته است. به‌ویژه مقررات جدیدی که پیش‌بینی می‌شود با رعایت مفاد قرارداد به بخش بانکی ایران ارائه شود و همچنین استفاده از پول ملی به‌جای دلار در فروش نفت تا حدودی موجب تسکین این بخش خواهد شد. به‌نظر می‌رسد اقتصاد ایران پتانسیل ابتکار اقتصادی برای کاهش انزوا در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی را دارد.

دوم، مشارکت‌های توسعه زیرساختی که با چین ایجاد می‌شود، به برنامه‌های ایران برای تبدیل شدن به یک مرکز ترانزیتی تجاری کمک می‌کند؛ بنابراین ایران به‌عنوان حامی بازیگران محور مقاومت یعنی لبنان، سوریه و عراق که دسترسی چین به آنها محدود است، می‌تواند قدرت اقتصادی و بازسازی پس از جنگ خود را در این منطقه تقویت کند.

سوم، می‌توان ادعا کرد که قدرتمندترین برگ برنده (تحریم) امریکا برای بازگشت به توافق هسته‌ای به‌طور جدی از سوی این توافق تضعیف شده است. در این زمینه دو سناریو برای آینده توافق هسته‌ای خودنمایی می‌کند. روند توافق هسته‌ای بین دو طرف می‌تواند در نخستین سناریو تسریع شود که در آن تنها هدف دولت بایدن بازگرداندن ایران به وضعیت هسته‌ای بین‌المللی است. در سناریوی دوم که توافق جامع دربرگیرنده قدرت موشکی ایران، فعالیت‌های محور مقاومت در منطقه، و روابط با کشورهای منطقه افزون بر توافق هسته‌ای است، نباید انتظار تحول مثبتی در بازگشت به توافق هسته‌ای داشت. دلیل این امر این است که ایران در مورد این موضوع‌ها به امریکا امتیازی نخواهد داد و در عین حال برگ برنده‌ای در قالب توافق با چین دارد که پتانسیل کاهش تحریم‌ها را دارد (Uzun, 2021: 9-10). در نهایت توافق ایران و چین جایگزین مذاکرات ایران با غرب مانند توافق هسته‌ای و سایر توافقی‌های مهم مانند اف‌ای‌تی‌اف^۱ نخواهد شد، بلکه به‌عنوان برگ برنده‌ای عمل می‌کند که به نفع ایران در این توافق‌ها است. در واقع چین با امضای این قرارداد با ایران، در صدد نوسازی روابط با ایران است که هدف آن توسعه اقتصادی با ظرفیت دولتی قوی از راه حذف پیش‌شرط‌های سیاسی پنهانی است. به‌طور خلاصه، سند همکاری چین و ایران نقطه عطفی در مورد انتقال قدرت جهانی مورد انتظار بین چین و ایالات متحده تلقی می‌شود.

۳.۴. مشارکت راهبردی ایران و چین؛ عرصه جدیدی برای روابط اقتصادی

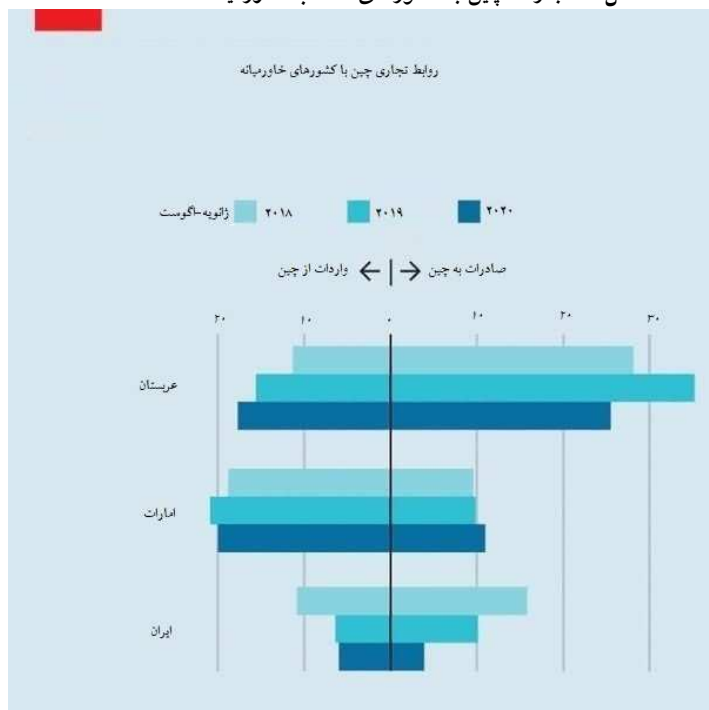
دوره‌ای بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ که با شدیدترین و تهاجمی‌ترین تحریم‌ها علیه ایران همراه بود و در عمل بخش بزرگی از تجارت خارجی و تعاملات مالی آن قطع شد. این امر زمینه را برای حضور بی‌رقیب چین در ایران فراهم کرد. تجارت سالانه چین و ایران بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۴ بیش از ۹ برابر شد و از ۵/۶ میلیارد دلار به ۵۱/۸ میلیارد دلار رسید که بالاترین رقم تاریخ است، پیش از اینکه سایر کشورها از راه برجام وارد بازار ایران شوند. در مقایسه با گسترش پیوسته روابط تجاری چین و ایران، تجارت ایران و اتحادیه اروپا در مدت مشابه ۵۵ درصد کاهش داشته است (United States Institute of Peace, 2020). بر اساس آمار منتشرشده از سوی گمرک ایران، کمابیش از هر ۱۰۰ دلار واردات ایران در ۲۰۱۶، ۲۵

دلار از چین بوده است. ارقام کمابیش ثابت باقی می‌مانند و نزدیک به ۳ درصد تأثیر دارند (Annual International Trade, 2020). از این‌رو، در صورت امضا و اجرایی شدن قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری بین دو کشور، ممکن است شاهد احیای دوباره سرمایه‌گذاری باشیم. گفتنی است امارات متحده عربی دومین صادرکننده کالا به ایران است. در ۲۰۱۹ در حالی که واردات از چین ۲۵ درصد به ارزش ۱۳/۱ میلیارد دلار بود، واردات از امارات ۱۵/۸ درصد با ارزش ۸/۱۷ میلیارد دلار بود. از آنجا که بسیاری از صادرات چین به خاورمیانه از راه دری صورت می‌گیرد، برخی اقتصاددانان ایرانی بر این باورند که صادرات مختلف امارات به ایران در اصل صادرات چین است (Guler, 2020). با این حال، این سند راهبردی چه‌بسا گستره وسیعی از حوزه‌ها از جمله سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران را در برمی‌گیرد که صنعت نفت، گاز و پتروشیمی از جمله خطوط لوله جدید را پوشش می‌دهد. بانک‌های چینی ممکن است از بخش بانکداری ملی ایران و بخش‌های اقتصادی خصوصی و دولتی آن حمایت کنند.

گردشگری ایران چه‌بسا به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد و به سرمایه‌گذاری در هتل‌های جدید، رستوران‌ها، زیرساخت‌های گردشگری و سرمایه‌گذاری در فرودگاه‌های جدید نیاز دارد. از این‌رو، احتمال می‌رود سرمایه‌صندوق ثروت ملی چین با ۹۰ میلیارد دلار دارایی تخمینی ممکن است پروژه‌های راهبردی صنعتی و زیرساختی ایران را تأمین مالی کند (Corneliusson, 2021: 5). اگرچه پکن نشان داده است که قصد دارد روابط اقتصادی با ایران را حفظ کند یا حتی گسترش دهد، ولی تمایل این کشور برای انجام این کار به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و همچنین جاه‌طلبی‌های کمابیش بزرگ‌تری در خلیج فارس، جایی که هم‌اکنون در حال مذاکره برای توافقنامه تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس است، محدود شده است. در واقع، تجارت این دو کشور تا ۲۰۲۰ به ۱۴/۹ میلیارد دلار رسید، در حالی که تجارت چین با عربستان سعودی و امارات از ۳۰ میلیارد دلار و ۲۰ میلیارد دلار گذر کرده است (شکل ۲). تحریم‌ها ایران را از انجام این کار باز می‌دارد.

با این تفسیرها، روابط راهبردی جدید بین چین و ایران دوباره تقویت می‌شود. ورود دوباره شرکت ملی نفت چین در شرکت انرژی پتروپارس ایران فاز ۱۱ را در میدان گازی پارس جنوبی توسعه می‌دهد و مجموعه‌ای از قراردادهای انرژی جدید شامل نفت، گاز، صنعت پتروشیمی و انرژی‌های تجدیدپذیر با توافق راهبردی بین چین و ایران منعقد می‌شود.

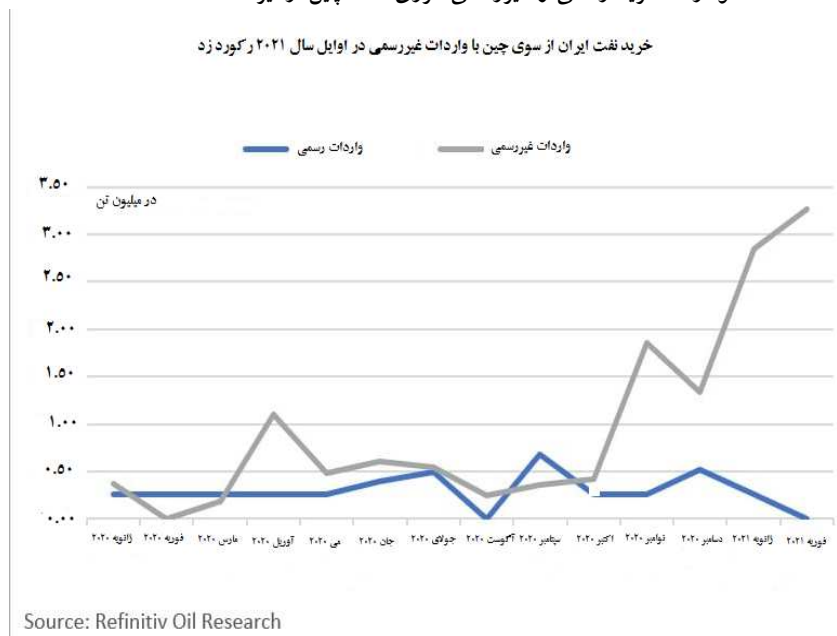
شکل ۲. تجارت چین با کشورهای منتخب خاورمیانه، ۲۰۱۸-۲۰۲۰



منبع: Iran Wants a Strategic Partnership, 2020

به گفته کارشناسان، هر دو کشور از راهبردها و ابزارهای متفاوتی برای روابط پنهانی خریدوفروش انرژی استفاده کرده‌اند. شرکت تانکر ترنکرز که نفتکش‌ها را از راه سیگنال‌ها و تصاویر ماهواره‌ای نظارت می‌کند، چنین گزارش‌هایی را تأیید می‌کند (Chazan, 2020). بر پایه آمار مؤسسه رفینیتیو اویل ریسرچ^۱، ایران بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱، حدود ۱۷/۸ میلیون تن (۳۰۶ هزار بشکه در روز) نفت خام به چین منتقل کرده که در ماه‌های ژانویه و فوریه همان سال به بالاترین رقم رسید. ۷۵ درصد از این حجم، به صورت واردات غیرمستقیم بوده که از راه عمان، امارات یا مالزی انجام گرفته است. بیشتر این محموله‌ها از راه بنادر استان شرقی شاندونگ، مکانی که بیشتر پالایشگاه‌های مستقل چین در آنجا واقع شده‌اند یا بندر یینگکو در استان شمال شرقی لیائونینگ صورت گرفته است. بنابر اعلام رفینیتیو، پکن با وجود تحریم‌های امریکا، به خرید حجم کوچکی از نفت ایران ادامه داد، ۲۵ درصد باقی‌مانده نیز خریدهای رسمی چین برای ذخایر نفتی راهبردی‌اش بوده است (Aizhu & Lawler, 2021).

نمودار ۳. خرید رسمی و غیررسمی انرژی نفت چین از ایران، ۲۰۲۰-۲۰۲۱



منبع: Aizhu & Lawler, 2021

۴.۴. نگاهی به راهبرد امنیتی-نظامی

ایران و چین هم‌اکنون همکاری نظامی خوبی دارند، این توافق بیش از پیش آن را نهادینه خواهد کرد. در واقع اشتراک‌گذاری اطلاعات بخشی از همکاری امنیتی بین ایران و چین است که در توافق ارائه شده است. درحالی‌که این جنبه به دلایل روشن پنهان باقی مانده است، احتمال اینکه چین نقش بزرگی در اطلاعات و ضدجاسوسی ایران داشته باشد، بیشتر از پیش است. از راه ایران، چین قادر خواهد بود اطلاعات مربوط به تغییرات و تهدیدهای ژئوپلیتیکی در خاورمیانه را راحت‌تر گردآوری کند.

اطلاعات ایران و نیروهای محور مقاومت بسیار فعال‌اند و یک شبکه اطلاعاتی در سطح منطقه ایجاد کرده‌اند که می‌تواند به نفع چین باشد. از این سوی، ایران یک پیمان اطلاعاتی با روسیه امضا کرده است. همکاری اطلاعاتی مندرج در معامله‌ها در راستای این هدف قرار می‌گیرد. این توافق به ایران امکان دسترسی به فناوری، آموزش و تخصص چینی را می‌دهد و به اطلاعات و ضدجاسوسی قوی‌تر ایران کمک می‌کند. این امر پیامدهای جدی برای رقابت ایران خواهد داشت، زیرا ایران در برابر دشمنان خود مؤثرتر خواهد بود. در نتیجه توافق

قوی‌تر و بهتر خواهد شد (Khoshnood & Khoshnood, 2021). از سوی دیگر، در بعد نظامی با لغو تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۰، نیروهای نظامی ایران گمان می‌رود می‌خواهند نیروی هوایی خود را با جت‌های جنگنده جدید ارتقا دهند. ظرفیت‌های دریایی به‌ویژه زیردریایی‌ها و فناوری پیشرفته موشکی با بودجه دفاعی سالانه تقریبی ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار، دستاوردهای نظامی جدید ایران در نیروی دریایی، توسعه موشکی پیشرفته، فناوری هوافضا و سایر زمینه‌ها، نیروهای مسلح ایران را در دهه آینده مدرن می‌کند.

به گفته یک مقام ارشد اطلاعاتی امریکا، ایران در پی انقضای تحریم تسلیحاتی سازمان ملل متحد علیه ایران در اکتبر ۲۰۲۰، به دنبال خرید هواپیماهای جنگنده و تانک از چین و روسیه بود. در آگوست ۲۰۱۹، مدیر سازمان صنایع هوایی ایران مدعی شد که چین و روسیه هر دو پیشنهاد فروش جنگنده به ایران را داده‌اند (تهران علاقه خاصی به نسل سوم جنگنده جی-بی-۱۰ چین دارد) (O'Connor, 2019). با این حال بر اساس ارائه ظریف به مجلس در ۵ ژوئیه، ایران به چین اجازه نمی‌دهد در ازای هرگونه معامله اقتصادی، پایگاه‌های نظامی همیشگی یا نظارت بلندمدت زمینی در خاک ایران را به دست آورد. در واقع همزمان با توسعه قراردادهای صنعتی یا زیرساختی در ایران، چین ممکن است خواستار تأمین امنیت در مکان‌های ساخت و ساز در حال انجام، به‌ویژه در مناطقی با خطرهای امنیتی غالب باشد. افزون‌بر این، در زمینه نظامی، ممکن است مجموعه گسترده‌ای از برنامه‌ها دربرگیرنده افزایش آموزش نظامی، و تمرین‌های زمینی، دریایی و هوایی—مانند رزمایش دریایی چین، روسیه و ایران در خلیج عمان در ۲۰۲۰— را شاهد باشیم (Corneliusson, 2020: 5).

چین همکاری‌های ایران را تقویت کرده و خطر برای پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در همسایگی ایران را افزایش داده است که این تهدید در حمله موشکی ایران در ۲۰۲۰ به نیروهای امریکایی در عراق به‌روشنی نشان داده شده است. گمان می‌رود دست‌کم یکی از سامانه‌های موشکی که تهران در این حمله استفاده کرده است، با فناوری موشک‌های بالستیک چینی ساخته شده است. اگرچه در طول دو دهه گذشته، دولت ایالات متحده به‌طور مکرر سایر افراد و نهادهای چینی را به دلیل نقض تحریم‌های مربوط به انتقال فناوری‌های حساس دوگانه مانند فلزات، الیاف و مواد کامپوزیت به ایران، در حمایت از برنامه موشک‌های ایران، تحریم کرده است (Lincy, 2021). بر این اساس، ایران علاقه‌مند به گسترش روابط دفاعی با چین از راه دستیابی به تسلیحات پیشرفته چینی برای جبران کاستی‌های خود در توانایی‌های تسلیحات متعارف نسبت به رقبای منطقه‌ای خود است.

تهران همچنین مایل است روابط دفاعی خود را با پکن تقویت کند تا به ایالات متحده نشان دهد که به‌طور کامل منزوی نیست. برای چین، افزایش روابط دفاعی با ایران ممکن است فشار بر ایالات متحده را افزایش دهد و در عین حال واشنگتن را در خاورمیانه منحرف کند. با وجود این روابط دفاعی چین و ایران به‌دلیل تمایل پکن برای پرهیز از دشمنی با دیگر شرکای خود در منطقه، مانند عربستان سعودی و امارات، محدود شده است (Holmquist & Englund, 2021). به همین دلیل، گمان می‌رود پکن در فروش شمار زیادی تسلیحات پیشرفته به تهران محتاط خواهد بود، زیرا این کار منافع اقتصادی و دیپلماتیک چین را به خطر می‌اندازد؛ عاملی که گمان می‌رود پکن پیش از هرگونه فروش احتمالی تسلیحات در نظر می‌گیرد. گرچه به‌نظر می‌رسد این سند همکاری برای ایران بین ارتش‌ها اعتماد ایجاد می‌کند و به ایالات متحده نشان می‌دهد که دو طرف با وجود فشار ایالات متحده در کنار هم ایستاده‌اند که اهمیت راهبردی برای ایران در ایجاد ائتلاف امنیتی-منطقه‌ای دارد.

۵. آینده روابط: پیچیدگی‌های پذیرفتنی در روابط ایران-چین

۵.۱. یک راهبرد پایدار، ولی با محدودیت

پراگماتیسم نشانه بارز روابط چین و ایران است. هر دو کشور، با وجود تفاوت در جهت‌گیری ایدئولوژیک خود، روابط خود را بر اساس درک عمل‌گرایانه از منافع مشترک اقتصادی خود به‌طور پیوسته توسعه داده‌اند. این مسئله به احتیاط طبیعی و عقلانی کشورها در روابط خود با سایر کشورها می‌افزاید. پکن ممکن است مجبور باشد روابط خود را با تهران برای حفظ روابط خود با عربستان سعودی و کشورهای خلیج‌فارس که خود را بلوکی قوی در برابر ایران معرفی می‌کنند، متعادل کند، زیرا بازار بسیار بزرگ‌تر و باثباتی را در مقایسه با ایران برای چین فراهم می‌کنند. پکن به‌تازگی وابستگی خود را به نفت عربستان افزایش داد، زیرا واردات چین از این کشور رکورد جدیدی را به میزان ۲/۱۶ میلیون بشکه در روز ثبت کرده است. این برخلاف سیاست کلی پکن برای تنوع بخشیدن به واردات نفت خود با ایران است (Saleh & Yazdanshenas, 2020). در واقع، روابط چین و ایران نباید روابط دوجانبه ساده تلقی شود، زیرا این روابط می‌تواند ساختار امنیتی منطقه‌ای را از پیش پیچیده‌تر کند.

در همین زمینه ایران/ابتکار صلح هرمز^۱ را به‌عنوان یک بستر صلح برای بازیگران منطقه‌ای به‌منظور همکاری با یکدیگر برای تضمین صلح در خلیج‌فارس معرفی کرده است. استدلال پشت این ابتکار این است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای (به‌ویژه ایالات متحده آمریکا) نمی‌توانند صلح را در منطقه تضمین کنند (Forough, 2021). تاکنون تلاش‌ها در روابط با

سعودی‌ها و اماراتی‌ها که در برابر چین درخواست‌هایی برای مبادلات مستقیم مقاومت کرده‌اند، نتایج ثمربخشی نداشته است. در عوض، آنها با امضای قراردادهای عادی‌سازی با اسرائیل، به‌طور آشکار راه مخالف را طی کرده‌اند. با این حال در مورد چین، همه چیز متفاوت است.

برای عربستان سعودی، ایران یک دشمن اعلام شده است؛ از این‌رو، درباره برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین نگران است. پکن از ۲۰۱۶ هر سال کمتر از ۲۷ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده و سه برابر بیشتر از ایران در عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کرده و عربستان سعودی را به‌عنوان شریک اصلی منطقه معرفی کرده است. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که چین در مورد گسترش روابط خود با ایران تا حدی محتاط خواهد بود که ریاض یا کشورهای عربی کوچک‌تر را آزرده نکند (Yellinek, 2020). از سوی دیگر، گرچه ادعا می‌شود که اسرائیل بزرگ‌ترین دشمن ایران است، ولی چین نیز توانسته روابط دوستانه خود را با آن حفظ کند. با این حال در درازمدت، از آنجا که منطقه خاورمیانه به‌طور فزاینده‌ای قطبی می‌شود، پرسش این است که آیا پکن اهمیت بیشتری برای روابط خود با بلوک اورشلیم، واشنگتن، کشورهای عرب از یک‌سو؛ و یا تهران از سوی دیگر قائل است؟ می‌توان گفت روابط چین با اسرائیل و بلوک انجمنی و همچنین ایران آزمونی برای سیاست خارجی این کشور است که چگونه روابط خود را با دو بلوک متعادل می‌کند (Belal, 2020: 60). به‌راحتی می‌توان استنباط کرد که با ادامه افزایش فعالیت‌های چین در منطقه، روابط این کشور با ایران به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر منافع سایر قدرت‌های منطقه از جمله کشورهایی که چین با آنها روابط قوی دارد، تأثیر می‌گذارد. گمان می‌رود این یکی از دلایلی است که پویایی روابط منعکس‌کننده بسیاری از ویژگی‌های یک اتحاد است که هنوز نمی‌توان آن را اتحاد رسمی نامید. از این‌رو، روابط چین و ایران هرگز شامل توافقنامه نظامی رسمی جامع و کتبی نبوده است و الزامات یک اتحاد رسمی را برآورده نمی‌کند، زیرا بدون تعهد امنیتی است.

۲.۵. پیامدهای نامتقارن قدرت ایران-چین

روابط چین و ایران به‌عنوان یک الگوی مشارکت قدرت بزرگ-قدرت متوسط، با عدم تقارن قدرت درونی چشمگیری که می‌تواند در بلندمدت بر این روابط تأثیر بگذارد، توسعه یافت. پاسخ به این پرسش مهم است: آیا نبود تقارن فزاینده موجب نبود تعادل قدرت بیشتر در مشارکت قدرت بزرگ چین و ایران می‌شود که در نهایت توافق را تضعیف می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش از جنبه نظری، ایران به‌عنوان یک قدرت متوسط، شریک جذابی برای قدرت بزرگ چین است که به‌دلیل نفوذ و جایگاهی که در منطقه دارد، می‌تواند برای ارتقای

امنیت و جایگاه یک قدرت بزرگ به کار گرفته شود. از سوی دیگر، ایران به تنهایی نمی‌تواند در برابر تهدیدهای منطقه‌ای مهمی که زیر چتر امریکاست، مقاومت کند. در این زمینه هر دو کشور در یکدیگر فرصتی یافته‌اند تا موقعیت خود را در برابر ابرقدرت‌ها افزایش دهند. افزون‌بر این نمادگرایی و موقعیت نابسامان اقتصادی ایران نشان‌دهنده ابزار چانه‌زنی قدرتمندی برای چین در تعاملات خود با دیگر قدرت‌های بزرگ است. برای پاسخ واقعی به این پرسش، به‌ویژه در پکن، ادراکات و نگرانی‌های مربوط به امنیت منطقه‌ای، چرخشی داشته است که به‌نظر می‌رسد نگرانی‌های اقتصادی در روابط دوجانبه بر آن غلبه کرده است. برای نمونه، اختلاف چین با کشورهای کواد^۱ در حال افزایش است، ولی تأثیر زیادی بر روابط تجاری با آنان ندارد. از آنجایی که چین بیشترین اهمیت را برای همکاری اقتصادی و منافع اقتصادی خود قائل است، به نوبه خود تأثیری بر درگیری‌ها دارد. به‌عبارت دیگر، چین یا هر کشوری که اختلاف دارد، روابط اقتصادی خود را محدود نگه‌می‌دارد (Tiezzi, 2020).

به همین دلیل چین پیش از سند همکاری با ایران با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای^۲ مخالفت می‌کرد، اگرچه روابط تجاری بین دو کشور همچنان در حال رشد بوده است؛ ولی در نگاهی به گذشته، نگرش از سوی روسیه نشان می‌دهد که از پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای برای تبدیل این سازمان به «ناتوی شرق» حمایت می‌کرد که مکمل چشم‌انداز و آرزوهای بلندپایه‌اش در منطقه بود؛ ولی چین چشم‌انداز این سازمان را غیرتهاجمی، تا اندازه‌ای فراگیر و خوش‌خیم برای ارتقای همکاری و یکپارچگی درون منطقه‌ای خواستار بود. ممکن است انتظار داشته باشیم که چین پس از گنجاندن این کشور در سازمان همکاری شانگهای، از موضع‌گیری ایران در قبال ایالات متحده جلوگیری کند که پکن را به خطر نیندازد. از سویی، احتیاط چینی‌ها در مورد خط لوله انرژی چین-پاکستان-ایران-ترکیه (که در ۲۰۱۵ امضا شد) نیز دیده شد که قرار بود خط لوله گاز ایران-پاکستان^۳ را به چین و ترکیه گسترش دهد، ولی تحریم‌های ایران برای جلوگیری از نارضایتی واشنگتن، منافع چین در این پروژه را متوقف کرد (Corneliussen, 2021). به همین ترتیب، اگرچه چین برای روابط خود با ایران ارزش قائل است، نسبت به تنش ایران با امریکا نیز ابراز نگرانی کرد و در خاورمیانه ریسک‌گریز بود (Conduit & Akbararzade, 2019: 468). در واقع، چین روابط پیشین خود در دوران تحریم و در طرح یک کمربند-یک راه برای مقابله با ایران را بهینه کرده است و تنها مقدار محدودی از ریسک را تحمل می‌کند. این شرایط در روابط چین و قدرت

۱. آمریکا، استرالیا، هند و ژاپن.

2. SCO

3. IP

بزرگ ایران و قدرت میانه ریشه دوانده است و همچنان مانعی در برابر ارتقای مشارکت به ترتیبات یکنواخت یا گسترده تر خواهد بود.

خروج یکجانبه ترامپ از توافق هسته‌ای ایران در مه ۲۰۱۸، بی‌ثباتی موضع چین را بیشتر نشان داد. برخی از شرکت‌های چینی مانند هواوی^۱، اس‌ام‌آی‌سی^۲، زدتی‌ئی^۳ به‌طور مستقیم تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. می‌توان گفت که چین در روابط دوجانبه با ایران در اموری که منافعهش در معرض خطر آشکار قرار گیرد، احتیاط بیشتری به خرج دهد. برای نمونه، چین از پروژه توسعه میدان گازی پارس جنوبی دو سال پس از خروج توتال از آن عقب‌نشینی کرد. این احتمال وجود دارد که امریکا دوباره به برجام بپیوندد و در دوران جو بایدن دوباره با ایران تعامل کند. از این رو، چشم‌اندازی برای کاهش تحریم‌ها در آینده نزدیک از سوی دولت بایدن وجود دارد.

۵.۳. جنگ تجاری چین-امریکا: عامل واشنگتن در روابط تهران-پکن

پیچیدگی تعاملات و کنش‌های اقتصادی بلندمدت چین و امریکا و تأثیر اقتصادی این دو کشور بر اقتصاد جهانی، آینده جنگ تجاری این دو قدرت جهانی را مبهم ساخته است و با ورود متغیر چانه‌زنی‌های اقتصادی و بده‌بستان‌های سیاسی، پیچیدگی مناسبات نیز بیشتر می‌شود. تأثیر احتمالی جنگ تجاری امریکا و چین بر صادرات نفت ایران، مسئله‌ای است که با اعلام قطع واردات نفت از امریکا به چین، به شکل برجسته‌ای نزد نخبگان تصمیم‌ساز مطرح شده است. اول، انقباض یا کاهش و استمرار رشد اقتصادی است؛ دوم، چانه‌زنی سیاسی است که بر روابط چین و ایران تأثیر دارد. اگرچه مرزهای بین دو سطح مشخص نیست، ابعاد منطقه‌ای و جهانی حدود ساختاری مثلث ایالات متحده-چین-ایران را تعیین می‌کند.

در گزارش صندوق بین‌المللی پول، تأثیرات منفی ادامه تنش تجاری و وضع تعرفه‌های انتقام‌جویانه بین امریکا و چین در قالب کاهش اعتماد در بازار کسب‌وکار ذکر شده است که به کاهش سرمایه‌گذاری و انقباض شرایط بازار مالی منجر می‌شود. با انقباض اقتصاد چین و کاهش رشد اقتصادی این کشور، واردات نفت این کشور از خاورمیانه روند کاهشی یافته است، و در ادامه فعالیت‌های شرکت‌های امریکایی در چین نیز کاهش پیدا خواهد کرد. در این صورت ممکن است چین برای حفظ رشد اقتصادی خود به امریکایی‌ها امتیازهای تجاری اندکی بدهد. تعرفه وارداتی که سران امریکا و چین برای یکدیگر وضع کرده‌اند، می‌تواند تبعات منفی و مخربی را برای اقتصاد این دو کشور به‌همراه داشته باشد. برای نمونه، قانون

1. Huawei
2. Semiconductor Manufacturing International
3. ZTE Corporation

افزایش تعرفه واردات محصولات چینی به ایالات متحده امریکا، شرکت فورد را مجبور به لغو برنامه‌های پیشین خود در واردات خودروی فورد فوکوس اکتیو از خط تولید چین کرده است. این خودروساز امریکایی اوایل ۲۰۱۸ تصمیم گرفت برخی از مدل‌ها را از خط تولید خود خارج کند. از این‌رو، با عادی شدن روابط تجاری چین و امریکا فرصت اندکی برای بهره‌برداری اقتصادی برای ایران به وجود آمد (خوشکار، ۱۳۹۸: ۵-۶).

در سطح دوم، جریان چانه‌زنی توافقی مبنی بر حل اختلاف‌های تجاری به شرط قطع واردات نفت از ایران از سوی چینی‌ها حاصل می‌شود. این سناریو با دادن امتیاز اقتصادی امریکا به چین و عبور از جنگ تجاری دوجانبه، واردات نفت چین از ایران را به کمترین حد خود (نزدیک به صفر) می‌رساند. درک سیسورس^۱ پژوهشگر حوزه مسائل اقتصاد سیاسی بر آن است که اگر امریکایی‌ها در فرایند چانه‌زنی بر سر کاهش تعرفه‌ها با چینی‌ها گفت‌وگوها را آغاز کنند، چینی‌ها کاهش و توقف خرید نفت از ایران را خواهند پذیرفت. چانه‌زنی مقامات وزارت خزانه‌داری و وزارت امور خارجه امریکا با طرف‌های چینی و وعده بازطراحی فناوریانه پالایشگاه‌های چینی برای نبود وابستگی آنها به نفت ایران را می‌توان امتیازهای پیش روی چینی‌ها برای کاهش واردات نفت از ایران و تسهیل رسیدن به راه‌حل مشترک برای منازعه تجاری با امریکا دانست (Lavietes, 2018). این سناریو سخت‌ترین سناریو برای آینده روابط اقتصادی ایران و چین است و تطمیع اقتصادی و سیاسی چین از سوی امریکا فرصت را برای همکاری اقتصادی چین و ایران کاهش می‌دهد.

چینی‌ها با انتقال وضعیت انزوای ژئواکونومیکی ایران به وضعیت منازعه ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی، با امریکا مخالف‌اند و تمایلی به حضور پرچالش در خاورمیانه و رقابت شدید در خاورمیانه با امریکا ندارند. با وجود حضور ایران در نقشه طرح کمربند جاده ابریشم، چینی‌ها هزینه طرح مذکور را از امتیازهای موقعیت ژئواکونومیکی ایران بالاتر می‌دانند و تاکنون انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های هنگفت بلندمدت در صنعت انرژی ایران از خود نشان نداده‌اند. خروج شرکت سی‌ان‌پی‌سی چین از حوزه سرمایه‌گذاری نفت در ایران و جریمه شرکت زدتی‌ئی^۲ به دلیل دور زدن تحریم‌های ایران و کاهش واردات نفت از ایران و به صفر رساندن آن، ظرف شش ماه پیش‌رو از جمله فشارهایی است که امریکایی‌ها به چینی‌ها وارد کرده‌اند. منافع حاصل از تعامل اقتصادی چین با بازارها و دلار امریکا بسیار بیشتر از منافع حاصل از صادرات کالا و واردات انرژی از ایران است. تجارت ۳۵ میلیارد دلاری چین با ایران، در مقایسه با سهم ۵۰۰ میلیارد دلاری تجارت این کشور با امریکا اندک است (Ezrati,

1. Derek scissors

2. ZTE

2018). از این رو، به نظر می‌رسد رفتار چین در رابطه با تحریم‌های ثانویه ایالات متحده علیه ایران به نوعی برای استفاده از شرایط به‌عنوان ابزاری برای مذاکره بوده است؛ ایالات متحده هم در این بازی مشارکت دارد. آمریکا در روند اعمال تحریم‌ها علیه ایران، پالایشگاه‌های بزرگ چین را تحریم نکرد که نشان می‌داد واشنگتن تمایلی به تشدید تنش با پکن و ضربه زدن به یک بخش بسیار حساس اقتصادی و سیاسی آن ندارد. به هر حال، به‌طور کامل آشکار است که چین هرگز رابطه خود را با ایالات متحده به نفع ایران فدا نمی‌کند.

۶. نتیجه

در مجموع، همگرایی فزاینده بین ایران و چین در پاسخ به فشار فزاینده ایالات متحده در سطح بین‌المللی است که نتیجه دو پویایی کلان است: از یک سو، پیدایش چین به‌عنوان یک قدرت جهانی که سبب تغییر به سمت شرق در میان کشورهای در حال توسعه شده است. از سوی دیگر، روابط پرآشوب ایران با ایالات متحده و غرب به‌طور کلی، موجب شده است این کشور سیاست «نگاه به شرق» را به‌عنوان ابزاری برای تنوع بخشیدن به روابط اقتصادی خود و در برابر سیاست فشار حداکثری واشنگتن به‌کار بگیرد. به نظر می‌رسد که سیاست «نگاه به شرق» که به شدت دنبال می‌شود، منطق راهبردی غالب است که تلاش ایران برای نهایی کردن توافق جامع بلندمدت با چین را تحریک می‌کند. با این حال نبود سازوکارهای اجرایی در محتوا نشان می‌دهد که احتمال تحقق واقعی توافق کامل، ضعیف است. از این رو، می‌توان گفت دست‌کم سه عنصر کلان، توانایی ایران برای اجرای توافق را شکل خواهد داد. نخست این‌که، ایران و چین هر دو باید درباره اهداف و طرح‌های دقیق و واقع‌بینانه مذاکره کرده و سازوکارهای اجرایی پایدار را فراهم کنند. در غیر این صورت، خطر «خالی» بودن و رؤیایی بودن قرارداد و تا حدی تحقق بخشیدن آن با نمونه‌های موقتی همکاری وجود دارد. دوم این‌که روابط چین و ایران در خلأ وجود ندارد. انزوای بین‌المللی تهران به‌طور چشمگیری تحقق مؤثر مشارکت جامع پایدار با پکن را محدود می‌کند. این انزوا مشارکت ایران در پروژه‌های ادغام اوراسیا چین، مانند طرح یک کمربند-یک‌راه را با توجه به تحریم‌های موجود، پیچیده و با مانع روبه‌رو می‌کند. سوم این‌که، میزان تحقق این توافق با پتانسیل راهبردی کامل خود همچنان با تحول سیاست چین در قبال کشورهای خلیج فارس مرتبط است. در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، پکن چه‌بسا روابط خود را با عربستان سعودی و امارات متحده عربی که در مجموع از نظر اقتصادی سودآورتر و شرکای با ریسک سیاسی کمتری نسبت به ایران هستند، تعمیق خواهد داد و چه‌بسا اولویت خواهد داد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اختیاری امیری، رضا؛ محبوبه صالحی. (۱۳۹۷) «پیامدهای سیاسی-اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۱۰، ۴۰: ۱۰۲-۶۳، در: http://jourm.iauaz.ac.ir/article_663613 (۲۰ آبان ۱۴۰۰)
۲. بوزان، باری؛ الی‌ویور ویور. (۱۳۹۸) *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. خویشکار، امیرعباس. (۱۳۹۸) *جنگ تجاری چین و امریکا و تأثیر آن بر تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران؛ سناریوهای محتمل*. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۴. رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام. (۱۳۹۵، پاییز) «بررسی سیاست هژمون در قبال دولت‌های خاورمیانه بر اساس رهیافت‌های جامعه‌پذیری در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۲، ۷: ۷۱-۴۱، <DOI:10.22054/TSSQ.2016.6778>
۵. شریعتی‌نیا، محسن. (۱۳۹۱، تابستان) «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۴، ۲: ۲۱۰-۱۸۹، <DOI: 20.1001.1.20085419.1391.4.2.5.3>
۶. قربانی، وحید. (۱۴۰۰) *الزامات و رویکردهای ارتباط ایران و چین*. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

ب) انگلیسی

7. Aizhu, Chen; and Alex Lawler. (2021, November 11) "China's Iran oil Purchases Rebound on Lower Prices, Fresh Quotas," *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/business/chinas-iran-oil-purchases-rebound-lower-prices-fresh-quotas> (Accessed 1 November 2021).
8. "Annual International Trade Statistics by Country," (2020, Winter) *Trend Economy*. Available at: <https://trendeconomy.com/data/h2/Iran/TOTAL> (Accessed 20 December 2021).
9. Armstrong, David. (1993) *Revolution and World Order*. Oxford, UK: Clarendon Press.
10. Belal, Kulsoom. (2020, Spring) "China-Iran Relations: Prospects and Complexities", *Policy Perspectives* 17, 2: 47-66, <DOI:10.13169/polipers.17.2.0047> .
11. Chazan, Yigal. (2020) "US Sanctions Prompt China to Cut Most Iran Oil Supplies, Officially at Least," *Diplomat*. Available at: <https://thediplomat.com/2020/05/us-sanctions-prompt-china-to-cut-most-iran-oil-supplies-officially-at-least> (Accessed 5 October 2021).
12. Conduit, Dara; and Shahram Akbarzadeh. (2019, November) "Great Power-Middle Power Dynamics: The Case of China and Iran," *Journal of*

- Contemporary China* 28, 117: 468-481, <DOI:10.1080/10670564.2018.1542225>.
13. Corneliussen, Arne Elias. (2021) "25-Year China-Iran Strategic Agreement Charts China-Iran Economic Corridor: Architecture & Implications," *The Norwegian-British Chamber of Commerce*. Available at: https://www.nrci.no/External/25year_China_Iran_Strategic.pdf (Accessed 5 October 2021).
 14. Ezrati, Milton. (2018, October 3) "Trade War from the Chinese Side," *Forbes Media*. Available at: www.forbes.com/sites/miltonezrati/2018/10/03/trade-war-from-the-chinese-side (Accessed 16 September 2021).
 15. Forough, Mohammad Bagher. (2021) "In Between the US and China," *Center for Iranian Studies in Ankara*. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/349966855> (Accessed 10 September 2021).
 16. Fulton, Jonathan. (2021) "China between Iran and the Gulf Monarchies," *Middle East Policy* 28, 3-4: 203-216, <DOI:10.1111/mepo.12589>.
 17. Greer, Lucille; and Esfandyar Batmanghelid. (2020, Fall) "Last Among Equals: The China-Iran Partnership in a Regional Context," *Wilson Center Occasional Paper Series* 38, 2: 1-48. Available at: <https://www.wilsoncenter.org/publication/last-among-equals-china-iran-partnership-regional-context> (Accessed 26 September 2021).
 18. Guler, Muhammet Ali. (2020, Fall) "China and Iran: Obstacles to Trade and Revised Goals for Future," *Daily Sabah*. Available at: <https://www.dailysabah.com/opinion/oped/china-and-iran-obstacles-to-trade-and-revised-goals-for-future> (Accessed 15 September 2021).
 19. "Iran Wants a Strategic Partnership with China," (2020, October 8) *The Economist*. Available at: <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2020/10/08/iran-wants-a-strategic-partnership-with-china> (Accessed 26 May 2021).
 20. Holmquist, Erika; and Johan Englund. (2020, May 5) "China and Iran- An Unequal Friendship," *Swedish Defense Research Agency*. Available at: <https://www.foi.se/rest-api/report/FOI-R--4976--SE> (Accessed 21 July 2021).
 21. Khoshnood, Arvin; and Ardavan Khoshnood. (2021, Summer) "Security Implications of the Iran-China Deal," *BESA Center Perspectives Paper* 2, 19: 1-10. Available at: <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2021/04/2019-Iran-China-Deal-Security-Implications-Khoshnoods-final> (Accessed 5 August 2021).
 22. Lavietes, Matt. (2018, July 24) "China Keeps Buying Iranian Oil, and the Trade War Adds a Reason to Defy US Sanctions," *CNBC News*. Available at: <https://www.cnbc.com/2018/07/24/how-china-can-use-iran-oil-sanctions-to-gain-concessions-in-trade-war.html> (Accessed 14 August 2021).
 23. Lincy, Valerie. (2021, June 3) "Written Testimony for U.S.China Economic and Security Review Commission," *Hearing on China's Nuclear Force*. Available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/Valerie_Lincy_Testimony.pdf (Accessed 14 June 2021).
 24. Lons, Camille, et al. (2019) "China's Great Game in the Middle East," *European Council on Foreign Relations*. Available at: https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east. (Accessed 21 September 2021).
 25. Nehra, Abhijeet. (2021) *Iran China Strategic Pact*. Available at: https://www.researchgate.net/publication/350785179_Iran_China_strategic_pact. (Accessed 8 October 2021).
 26. Ng, Abigail. (2021, 22 March) "These 6 Charts Show How Sanctions are Crushing Iran's Economy," *CNBC (cnbc.com)*. Available at:

- <https://www.cnn.com/2021/03/23/these-6-charts-show-how-sanctions-are-crushing-irans-economy.html> (Accessed 22 December 2021).
27. O'Connor, Tom. (2019, September 29) "Iran Says Russia and China Are Offering Fighter Jets in Show of Support against U.S.," *Newsweek*. Available at: <https://www.newsweek.com/iran-russia-china-fighter-jets-1456848> (Accessed 5 June 2021).
 28. Saleh, Alam; and Zakiyeh Yazdanshenas. (2020, August 8) "Iran's Pact with China is Bad News for the West," *Foreign Policy Journal*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/08/09/irans-pact-with-china-is-bad-news-for-the-west/> (Accessed 8 October 2021).
 29. Schweller, Randall L. (2014, Winter) "China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination," *International Journal of Korean Unification Studies* 23, 2: 1-40. Available at: <https://repo.kinu.or.kr/bitstream/2015.oak/8906/1/0001477382>. (Accessed 17 November 2021).
 30. Tiezzi, Shannon. (2020, October 7) "China's Two-Pronged Response to the Quad," *The Diplomat*. Available at: <https://thediplomat.com/2020/10/chinas-two-pronged-response-to-the-quad/> (Accessed 11 May 2021).
 31. United States Institute of Peace (USIP). (2020, October 6) "Last among Equals: Iran-China Relations," *Iran Primer*. Available at: <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/oct/06/last-among-equals-iran-china-relations> (Accessed 7 May 2021).
 32. Uzun, Ezgi. (2021, April 14) "Analysis- The Iran-China Deal amid the Global Power Transition; Multilateralist Policies Produce a Critical Trump Card for Iran," *Anadolu Agency*. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/analysis-the-iran-china-deal-amid-the-global-power-transition/2208353> (Accessed 4 September 2021).
 33. Yacoubian, Alex. (2021, August 23) "Iran's Increasing Reliance on China," *Iran Primer*. Available at <https://iranprimer.usip.org/blog/2019/sep/11/irans-increasing-reliance-china> (Accessed 21 September 2021).
 34. Yellinek, Roie. (2020, September 14) "The Sino-Iran 25 Years Agreement: Why, and Why Now?" *E- International Relations*. Available at: <https://www.e-ir.info/2020/09/14/opinion-the-sino-iran-25-years-agreement-why-and-why-now> (Accessed 17 September 2021).



Research Paper

Iran and China: Towards a Strategic Partnership in the Future with an Emphasis on the Opportunities and Complexities of the 25-year Agreement

Ali Akbar Jafari^{1*}, Mehrdad Falah²

¹ Assistant Professor, Department of Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

² A PhD Candidate in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 22 May 2022, Accepted: 30 January 2023

© University of Tehran

Abstract

With the growing isolation of Iran in the international system caused in part by Trump's campaign of maximum pressure, Iranian policymakers are increasingly drawn to China, which could significantly change the structure of the Middle East regional order in the long run. Recent agreements and partnerships between the two countries—reflected in the One Belt-One Road (OBOR) Initiative as well as the draft 25-year Comprehensive Strategic Partnership—will pave the way for the long-term strategic cooperation between the two countries. Hence, Sino-Iranian relations are constantly evolving in the fields of geopolitics, economics, and diplomacy. Despite a steady strategic relationship, Beijing has carefully controlled the degree of its growing bilateral relations with Iran in an effort to balance its other interests in the region. While Tehran calls the new 25-year cooperation agreement as a turning point in China-Iran relations, Beijing has shown a more balanced interpretation of the importance of this document. China does not seek to destabilize and escalate tensions in the Middle East, but it has undermined the effectiveness of important US policies such as imposing anti-Iran economic sanctions by increasing its cooperation with Iran which exposes the weakening of the United States' influence in the region. However, China's determination to increase its involvement in the Middle East puts a limit on its interactions with Iran. In fact, the deepening of China's diplomatic, economic, and military ties with Iran's regional rivals (e.g., Saudi Arabia and the United Arab Emirates) has forced Beijing to strike a balance between its relations with Iran and its ties with the other key regional powers. The rivalry between neighbors and the growing Great-

* Corresponding Author Email: a.jafari@umz.ac.ir

power competition in the region can significantly undermine Iran-China bilateral relations. In particular, China has adopted a non-confrontational approach to engage with Iran in a measured and controlled manner with the purpose of not jeopardizing its relations with the key regional players (i.e., the United States, Israel, and the Arab world).

As a great power, China does not want to endanger its national interests for the sake of a medium power, and tries to manage its ties with Iran on the basis of a cost-benefit analysis of its engagement with this Middle Eastern power in light of its grand strategy and the multiplicity of its broader foreign policy objectives. In addition, Iranian public opinion on the multidimensional cooperation with China and the sensitivities of regional actors will influence the future of Iran-China relations. Meanwhile, the Islamic Republic of Iran is eager to take advantage of Chinese trade and investment, but the policymakers are also wary of their over-reliance on China. It is true that both countries are dissatisfied with some of the rules governing the international system, and thus their policies can be examined to some extent according to the approaches of the revisionist governments which are opposed to the US dominance and hegemony. Although both countries do not like the existing international power distribution, but they have different worldviews. China is looking for a new world order, a new political and financial structure, a new way of managing and controlling everything on a global scale. China's growing role in almost all international institutions is seen as an indication of the rise of China. Hence, Beijing has based its foreign policy on maintaining stability with the assumption that its rise cannot be guaranteed by the collapse of the present international system and the formation of a completely different system.

In this study, the authors seek to answer the following research questions: 1. Has the strategic partnership between Iran and China been formed in a manner conforming with the structure of the existing international order? 2. What will be the future of Iran-China Relations? Using a descriptive-analytical approach and with the aim of explaining the historical trend and transformation processes in confrontation with the U.S., the influencing pattern of the relevant variables in the strategic Iran-China relations in the post-September international environment will be analyzed. The following hypothesis will be tested: Economic and political factors which have contributed to the formation of the strategic partnership between China and Iran have also a determining role in the limitation and complexity of the future strategic relations of these two revisionist countries. The most important findings of this research is that the increasing convergence between Iran and China is in response to the increasing pressure of the United States at the international level. The 25-Year Comprehensive Agreement as well as official statements by the policymakers involved indicate the desire of both parties for greater coordination.

Keywords: 25-Year Comprehensive Agreement, Middle East Security, One Belt One Road (OBOR), Saudi-Iranian Competition

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-7543-6365>

References

- Aizhu, Chen; and Alex Lawler. (2021, November 11) "China's Iran oil Purchases Rebound on Lower Prices, Fresh Quotas," *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/business/chinas-iran-oil-purchases-rebound-lower-prices-fresh-quotas> (Accessed 1 November 2021).
- "Annual International Trade Statistics by Country," (2020, Winter) *Trend Economy*. Available at: <https://trendeconomy.com/data/h2/Iran/TOTAL> (Accessed 20 December 2021).
- Armstrong, David. (1993) *Revolution and World Order*. Oxford: Clarendon Press.
- Belal, Kulsoom. (2020, Spring) "China-Iran Relations: Prospects and Complexities", *Policy Perspectives* 17, 2: 47-66, <DOI:10.13169/polipers.17.2.0047> .
- Buzan, Barry; and Oliver Weaver. (2018) *Manātegh va ghodrat'hā (Regions and Powers)*, trans. Rahman Kahramanpour. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [in Persian]
- Chazan, Yigal. (2020) "US Sanctions Prompt China to Cut Most Iran Oil Supplies, Officially at Least," *Diplomat*. Available at: <https://thediplomat.com/2020/05/us-sanctions-prompt-china-to-cut-most-iran-oil-supplies-officially-at-least> (Accessed 5 October 2021).
- Conduit, Dara; and Shahram Akbarzadeh. (2019, November) "Great Power-Middle Power Dynamics: The Case of China and Iran," *Journal of Contemporary China* 28, 117: 468-481, <DOI:10.1080/10670564.2018.1542225>.
- Corneliussen, Arne Elias. (2021) "25-Year China - Iran Strategic Agreement Charts China-Iran Economic Corridor: Architecture & Implications," *The Norwegian-British Chamber of Commerce*. Available at: https://www.nrci.no/External/25year_China_Iran_Strategic.pdf (Accessed 5 October 2021).
- Ekhtiyari Amiri, Reza; and Mahboubeh Salehi. (2017) "Payamad'hā-ye siyāsī va eghtesādī-ye tose'-ye ravābet-e Irān va chin dar chārchob-e siyāsāt-e negāh beh shargh (The Political-Economic Consequences of the Development of Iran-China Relations in the Framework of the Look East Policy)," *Faslnāmeḥ-ye motāleāt-e siyāsī (Political Studies Quarterly)* 10, 40: 102-63. Available at: http://jourm.iauaz.ac.ir/article_663613 (Accessed 11 November 2021). [in Persian]
- Ezrati, Milton. (2018, October 3) "Trade War from the Chinese Side," *Forbes Media*. Available at: www.forbes.com/sites/miltonerzrati/

- 2018/10/03/trade-war-from-the-chinese-side (Accessed 16 September 2021).
- Forough, Mohammad Bagher. (2021) "In Between the US and China," *Center for Iranian Studies in Ankara*. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/349966855> (Accessed 10 September 2021).
- Fulton, Jonathan. (2021) "China between Iran and the Gulf Monarchies," *Middle East Policy* 28, 3-4: 203-216, <DOI:10.1111/mepo.12589>. (Accessed 15 September 2021).
- Ghorbani, Vahid. (1400) *Elzāmāt va roykard'hā-ye ertebāt-e Īrān va chin (Requirements and Approaches of Iran-China Relations)*. Tehran: Strategic Research Institute. [in Persian]
- Greer, Lucille; and Esfandyar Batmanghelid. (2020, Fall) "Last Among Equals: The China-Iran Partnership in a Regional Context," *Wilson Center Occasional Paper Series* 38, 2: 1-48. Available at: <https://www.wilsoncenter.org/publication/last-among-equals-china-iran-partnership-regional-context> (Accessed 26 September 2021).
- Guler, Muhammet Ali. (2020, Fall) "China and Iran: Obstacles to Trade and Revised Goals for Future," *Daily Sabah*. Available at: <https://www.dailysabah.com/opinion/oped/china-and-iran-obstacles-to-trade-and-revised-goals-for-future> (Accessed 15 September 2021).
- Holmquist, Erika; and Johan Englund. (2020, May 5) "China and Iran– An Unequal Friendship," *Swedish Defense Research Agency*. Available at: <https://www.foi.se/rest-api/report/FOI-R--4976--SE> (Accessed 21 July 2021).
- "Iran Wants a Strategic Partnership with China," (2020, October 8) *The Economist*. Available at: <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2020/10/08/iran-wants-a-strategic-partnership-with-china> (Accessed 26 May 2021).
- Khoshkar, Amir Abbas. (2018) *Jang-e tejāri-ye chin va āmricā va tasir-e ān bar tahrīm-e jomhourī-e eslāmī-'i Īrān; senārio'hā-ye mohtamal (China-US Trade War and its Effect on the Islamic Republic of Iran's Sanctions; Possible Scenarios)*. Tehran: Strategic Research Institute. [in Persian]
- Khoshnood, Arvin; and Ardavan Khoshnood. (2021, Summer) "Security Implications of the Iran-China Deal," *BESA Center Perspectives Paper* 2, 19: 1-10. Available at: <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2021/04/2019-Iran-China-Deal-Security-Implications-Khoshnoods-final> (Accessed 5 August 2021).
- Lavietes, Matt. (2018, July 24) "China Keeps Buying Iranian Oil, and the Trade War Adds a Reason to Defy US Sanctions," *CNBC News*. Available at: <https://www.cnbc.com/2018/07/24/how-china-can-use-iran-oil-sanctions-to-gain-concessions-in-trade-war.html> (Accessed 14 August 2021).
- Lincy, Valerie. (2021, June 3) "Written Testimony for U.S. China Economic and Security Review Commission," *Hearing on China's Nuclear Force*. Available at: https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/Valerie_Lincy_Testimony.pdf (Accessed 14 June 2021).

- Lons, Camille, et al. (2019) "China's Great Game in the Middle East," *European Council on Foreign Relations*. Available at: https://ecfr.eu/wp-content/uploads/china_great_game_middle_east. (Accessed 21 September 2021).
- Nehra, Abhijeet. (2021) *Iran China Strategic Pact*. Available at: https://www.researchgate.net/publication/350785179_Iran_China_strategic_pact. (Accessed 8 October 2021).
- Ng, Abigail. (2021, 22 March) "These 6 Charts Show How Sanctions are Crushing Iran's Economy," CNBC (*cnbc.com*). Available at: <https://www.cnbc.com/2021/03/23/these-6-charts-show-how-sanctions-are-crushing-irans-economy.html> (Accessed 22 December 2021).
- O'Connor, Tom. (2019, September 29) "Iran Says Russia and China Are Offering Fighter Jets in Show of Support against U.S.," *Newsweek*. Available at: <https://www.newsweek.com/iran-russia-china-fighter-jets-1456848> (Accessed 5 June 2021).
- Rasouli-Thani-Abadi, Ilham. (2016, Autumn) "Baresi-ye siyāsāt-e hegemon dar ghebāl-e dolat'hā-ye khāvar'miāneh (Review of the Hegemon's Policy towards the Middle East States based on the Socialization Approaches in International Relations," *Faslnāmeḥ-ye dolat'pajohi (State Studies Quarterly)* 2, 7: 41-71, <DOI:10.22054/TSSQ.2016.6778>. [in Persian]
- Saleh, Alam; and Zakiyeh Yazdanshenas. (2020, August 8) "Iran's Pact with China is Bad News for the West," *Foreign Policy Journal*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/08/09/irans-pact-with-china-is-bad-news-for-the-west/> (Accessed 8 October 2021).
- Schweller, Randall L. (2014, Winter) "China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination," *International Journal of Korean Unification Studies* 23, 2: 1-40. Available at: <https://repo.kinu.or.kr/bitstream/2015.oak/8906/1/0001477382>. (Accessed 17 November 2021).
- Shariatinia, Mohsen. (2011, Summer) "Avāmel-e tā'in'konandeh-ye ravābet-e Īrān va chin (Determining Factors of Iran-China Relations)," *Faslnāmeḥ-ye ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 4, 2: 210-189, <DOI: 20.1001.1.20085419.1391.4.2.5.3>. [in Persian]
- Tiezzi, Shannon. (2020, October 7) "China's Two-Pronged Response to the Quad," *The Diplomat*. Available at: <https://thediplomat.com/2020/10/chinas-two-pronged-response-to-the-quad/> (Accessed 11 May 2021).
- United States Institute of Peace (USIP). (2020, October 6) "Last among Equals: Iran-China Relations," *Iran Primer*. Available at: <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/oct/06/last-among-equals-iran-china-relations> (Accessed 7 May 2021).
- Uzun, Ezgi. (2021, April 14) "Analysis- The Iran-China Deal amid the Global Power Transition; Multilateralist Policies Produce a Critical Trump Card for Iran," *Anadalou Agency*. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/analysis-the-iran-china-deal-amid-the-global-power-transition/2208353> (Accessed 4 September 2021).

- Yacoubian, Alex. (2021, August 23) "Iran's Increasing Reliance on China," *Iran Primer*. Available at <https://iranprimer.usip.org/blog/2019/sep/11/irans-increasing-reliance-china> (Accessed 21 September 2021)
- Yellinek, Roie. (2020, September 14) "The Sino-Iran 25 Years Agreement: Why, and Why Now?" *E- International Relations*. Available at: <https://www.e-ir.info/2020/09/14/opinion-the-sino-iran-25-years-agreement-why-and-why-now> (Accessed 17 September 2021).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.